

محمد علی تسخیری

در مورد تألیف و معرفی «تفسیر القرآن الکریم» که توسط این جانب و جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای محمد سعید نعمانی، نوشته شده، لازم است نکاتی را بیان کنم.

۱. تاریخچه وانگیزه: نگاشتن این تفسیر به حدود ۱۸-۲۰ سال قبل برمی گردد. در آن زمان، از سوی مفسر سوری، تفسیری بر قرآن کریم منتشر شد. آن تفسیر به طور مختصر و در حاشیه قرآن نوشته شده بود. در آن، به جنبه ها و ابعاد سیاسی - اجتماعی آیات نیز پرداخته بود. این تفسیر، مورد استقبال فراوان قرار گرفت و بارها نشر یافت. از این روی، مرحوم استاد بزرگوار آية الله العظمی شهید صدر، احساس نیاز شدید به چنین تفسیری در جوامع اسلامی و از دیدگاه اهل بیت کرد. لذا ایشان به دو تن از شاگردان خود بنده و جناب حجة الاسلام والمسلمین نعمانی، نماینده فعلی رهبری در شرق آفریقا، دستور دادند که بر اساس این طرح، تفسیر مختصری بر کل قرآن بنویسیم. و ما نیز بعد از فرمایش ایشان کار مطالعه و تألیف این تفسیر را آغاز کردیم. هم اکنون، به فضل پروردگار، ده جزء اول قرآن، بدین شیوه تفسیر و نشر یافته است. از خداوند می خواهیم، با وجود مشکلات زیاد و مسائل مختلف، ما را موفق دارد که این تفسیر را تکمیل کنیم.

۲. روش تفسیری: روش تفسیری ما در این تفسیر، در چند مطلب خلاصه می شود.

اول: ما متعهد بودیم، این تفسیر بر طبق روایات اهل بیت (ع) نوشته شود، گاهی بعضی از روایاتی که خیلی به نظر واضح و جالب می آمد، نقل و به منبع آن اشاره می کردیم.

دوم: عنایت داشتیم که برای هر يك صفحه از قرآن، به مقدار دو صفحه تفسیر نوشته شود که در نهایت این دو صفحه، با حروف ریزتر در حاشیه قرآن تنظیم گردد.

سوم: نظر بر این است که تفسیر ما فقط به بیان واژه ها یا شأن نزول یا نکات مبهم آیات نپردازد، بلکه تفسیری باشد جامع از کل آیاتی که در این صفحه آمده، به طور مرتب و به هم پیوسته.

چهارم: از ویژگیهای مهم و برجسته این تفسیر، توجه به ابعاد اجتماعی و سیاسی آیات قرآن کریم است، زیرا ما تأکید داشتیم هر آیه ای که به مسائل اجتماعی می پردازد، آن را با اشاراتی مختصر بیان کنیم و در بعضی موارد، به مصادیق امروزی آیه هم اشاره کنیم. مثلاً وقتی از ویژگیهای فرعون و سیاستهای فرعون صحبت می شود، بر سیاستهای استکباری امروز هم تطبیق دهیم. برای این که روحیه استکباری، همان روحیه فرعون است، که مدام به صورتها و شکلهای دیگر نمایان می شود.

پنجم: در تفسیر آیات، به تفاسیر اهل سنت و شیعه، هر دو مراجعه می شد و آراء را گاهی خیلی کوتاه در یکی، دو خط برای خواننده بیان می کردیم، تا بدانند که این رأی هم هست و سپس با توجه به روایات و ظاهر آیه، رأی مورد پسند و منتخب را تبیین می کردیم. گاهی هم برای آیه و رأی مورد انتخاب، يك تحلیل اجتماعی می دادیم. مثلاً وقتی به آیه تحریم ربا رسیدیم، بیان شد که مسأله تحریم ربا، موجب رفع تضادهای اجتماعی و سوق دادن سرمایه ها به سوی تولید می گردد.

در مراجعه به تفاسیر، مهم ترین تفسیر مورد اعتماد، از تفاسیر شیعی، تفسیر «المیزان» بود و از اهل سنت، تفسیر «فی ضلال» و «المنار». زیرا این دو تفسیر، به ابعاد سیاسی و اجتماعی آیات نظر دارند.

ششم: سعی بر این بود که این تفسیر، با عبارت واضح و تعابیر سلیس و عربی

روز نگاشته شود، نه با عربیهای غیر مفهوم. با زبانی رسا و گویا، که برای همگان قابل فهم باشد.

هفتم: در این تفسیر از مسائل علوم قرآنی، غفلت نداشتیم و به مناسبتهای آیات، به آن مسائل اشاره کرده ایم. مثلاً، در ذیل آیه محکم و متشابه در سوره آل عمران، به معانی محکم و متشابه و رأی مورد قبول و فوائد وجود محکم و متشابه در قرآن اشاره کرده ایم.

در برخی موارد که احساس ضرورت شده، به فقه اللغه بعضی از کلمات قرآن پرداخته ایم. مثلاً لفظ «إِنَّا قَلَّمْنَا بِالسَّيِّدَةِ الْوَالِيَةِ الْأَرْضَ» که این لفظ هم تلفظ آن ثقیل است به جهت الفی که بعد از «ث» مشدد آمده است و هم دارای معنای سنگینی است، زیرا بیانگر سنگینی شدیدی است که منافقان در وقت دعوت به جهاد از خود نشان می دادند.

باید به عرض برسانم، ما در طول مطالعات تفسیری و قرآنی، به يك ابتهاج و سرور بسیار جالبی رسیدیم که همواره از آن استفاده می کنیم و بهره مند می باشیم. آن این که قرآن کریم، دارای کیفیت و زبان مخصوص به خود می باشد که انسان هر چه بیشتر مطالعه و تأمل و دقت می کند، صحنه های جدید و افقهای تازه ای در برابرش گشوده می شود. آیات قرآن، با زبان تازه ای با او سخن می گوید. مثل این که آیات تازه شنیده شده و مفاهیم تازه ای از آنها به ذهن القا می گردد، بویژه آن گاه که آیات مربوط به يك موضوع در کنار یکدیگر قرار گیرند، معناهایی از آنها ظاهر می شود که از قبل مکشوف نبوده است. واقعاً، وقتی از تفسیر يك صفحه، حتی يك آیه فارق می شدیم و مجدداً آیه را می خواندیم، احساس می کردیم، تازه نازل شده و کل وجود ما، با قرائت آن تازه می گشت و به اوجهای تازه ای از قرآن می رسیدیم و احساس می کردیم قرآن با کل وجود ما، سخن می گوید. لذا توصیه می شود که مطالعات قرآنی را برای فهم معانی آیات قرآن، همواره، داشته باشیم و به تعبیر حضرت امیر(ع):

«ذلك القرآن فاستنطقوه»، (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶).

قرآن را به نطق بیاورید و صفحه دل و جان را در برابر قرآن قرار دهید و بگذارید قرآن برای شما صحبت کند.

در عصر ما، نیاز شدیدی به شناخت بینش و دیدگاههای قرآن کریم است. در مورد مسائل و نظامهای گوناگون اجتماعی - سیاسی و اعتقادی که متأسفانه هنوز روی

آن جنبه، کاری اساسی انجام نگرفته است، مثلاً دیدگاه قرآن در تفسیر جهان و تبیین وجود، تبیین تاریخ انسان، ترسیم ابعاد انسان و پدیده های تاریخی و دیدگاه قرآن از تفسیر ضعفهای انسان و مانند این امور. از باب نمونه، قرآن کریم، در ارتباط با «بدریون» وقتی صحبت می کند و نقطه ضعف آنان را بیان می کند، انسان خیلی می تواند درس بگیرد و چیز بیاموزد. قرآن می فرماید:

«وَأَنْ يَّعِدَّكُمْ اللَّهُ أَحَدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنْ غَيْرِ ذَاتِ الشُّوْكَةِ تَكُونَ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ» (انفال/ ۷)

یادآور می شود که شما وقتی از مدینه حرکت کردید در قبال شما دو راه ترسیم شده بود: یکی راه جنگ و مبارزه: (ذات الشوکه) که راه دشوار و سخت است ولی خیلی پُر بار و راه دیگر، گرفتن اموال قافلہ ابوسفیان. شما دلہایتان به سمت قافلہ ابوسفیان متمایل بود و به آن سمت می رفتید که قافلہ چقدر ارزش دارد و به فکر عاقبت راه نبودید و لکن خداوند می خواست شما را در قلۀ تاریخ قرار دهد: «یرید اللہ ان یحق الحق بکلماته و یقطع دابر الکافرین».

این آیات، ارائه ضعفهای انسان است. آن هم انسانی از قبیل «بدریون» که قلب آنان هنوز به سمت دنیا حرکت می کند و هدف بزرگ را فراموش می کنند. قرآن، این نقطه ضعفها را نشان می دهد و راه حل اصلاح آن را می فرماید و ما باید روی این دیدگاههای قرآن و بینشها و مفاهیم آن کار کنیم که کم کار شده است. باید فرهنگمان، بینش و فکرمان و طرح نگرش به مسائل مختلف اجتماعی و سیاسی مان از قرآن کریم باشد. حضرت امیر (ع) می فرماید:

«کتاب اللہ تبصرون به و تنطقون به و تسمعون به»، (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱).

آیا ما توانستیم قرآن را زبان خودمان قرار دهیم و یا گوش و چشم خودمان قرار دهیم و با آن به کل جهان بنگریم.

خلاصه، من معتقدم: مهم ترین کار این است که ما مجدداً دیدگاه و مفاهیم قرآن را بازنشاسی کنیم و خودمان را با آن منطبق سازیم.

در خاتمه من از طرح بیئات واقعا کمال استقبال را می کنم و آرزوی قلبی دارم این طرح، روز به روز، رشد کند و بتواند این مجله به زبانهای گوناگون جهان منتشر شود و جهان از علوم آل محمد سیراب گردد. ان شاء اللہ تعالی.